



تأثیر هنر نگارگری ایران بر شبه قاره با تأکید بر مکتب نقاشی مغولان هند

پدیدآورده (ها) : خادمی ندوشن، فرهنگ؛ بابامرادی، رسول
هنر و معماری :: مدرس هنر :: بهار و تابستان 1386 - شماره 2 (ISC)
از 29 تا 36

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/369969>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان
تاریخ دانلود : 27/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



تأثیر هنر نگارگری ایران بر شبه قاره با تأکید بر مکتب نقاشی مغولان هند

فرهنگ خادمی ندوشن^۱، رسول بابامرادی^۲

۱- دانشیار گروه باستان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
۲- کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

روابط فرهنگی ایران و هند، در ادوار پیش از تاریخ دو کشور ریشه دارد که همیشه در تبادلات فرهنگی و هنری بین این دو قلمرو نقش مهمی ایفا کرده است. این تبادلات در دوره اسلامی و عصر مغولان هند در میادین مختلف اقتصادی و بازرگانی شدت گرفت، ولی بیشترین تأثیر را در آثار نگارگری این عصر می‌توان دید. تاکنون درباره ویژگیهای هنر ایرانی در هنر نگارگری عصر مغولان هند، تحقیقات ارزشمندی منتشر نشده است. هنرمندان ایرانی که به هند رفته‌اند، سبکی متمایز از ویژگیهای هنری گذشته این سرزمین، بنیاد نهادند. نگارگریهای باقیمانده در موزه ملی ایران و دیگر منابع، می‌تواند در این تأثیر و تأثر نقش مهمی داشته باشد که بیانگر زحمات هنرمندان ایرانی است که بنیانگذار نگارگری هند می‌باشند. نگارگریهایی که آنان در مکتب هنری ایران در هند عرضه کرده‌اند، بدون تردید از شاهکارهای هنری زمان خود می‌باشند. آنها این ویژگی را بعدها با هنر بومی و اروپایی در آمیخته و بعد از خود به دیگران سپردند. در این مقاله به بررسی تأثیر هنرمندان ایرانی در شکل‌گیری هنر نگارگری مغولان هند می‌پردازیم، با آن که دیگر ویژگیهای هنر ایرانی در تذهیب، خوش‌نویسی و صفحه‌آرایی را نیز نباید نادیده گرفت.

کلیدواژه‌گان: نگارگری، ایران، صفویه، مغولان، هند.

۱- مقدمه

با ورود مسلمانان به هند، هنرنگارگری وارد مرحله جدیدی شد. این هنر که ریشه در سبک طبیعت‌گرایی مکتب هرات و ایران داشت، با کمک هنرمندان ایرانی در دوران اسلامی به هند عرضه شد [۱، ص ۶۸ و ۷۲].

هنرمندان ایرانی مشخصات ویژه‌ای را برای هنر نگارگری هند در دوره مغول ترسیم کردند که حتی بعدها تا زمان فروپاشی آنان، تجلی خود را در دیگر مکاتب محلی هند، کماکان حفظ کرده است. این ویژگیها که در هنر نگارگری هند تقلیدی از سبک

اختلاف مغولان هند با عثمانیان و ازبکها و همچنین روابط گرم خانوادگی که از زمان شاه اسماعیل با بازگرداندن خواهر بابر، که در نزد ازبکها به‌اسارت برده شده بود، روابط ایران و هند را در عصر صفویه در عالیترین درجه خود قرار داد؛ همچنین مهاجرت ایرانیان به دلیل آشنا بودن مغولان با فرهنگ ایرانی و وجود صاحب منصبان ایرانی در دستگاه اداری مغول، که خود باعث تمایل مغولان هند به طرف هنرمندان ایرانی شده بود را می‌توان از عوامل پیوند این دو کشور دانست.



این سنگ نگاره‌ها که با رنگهای معدنی و گل اخرا تهیه شده‌اند، از آثار باقیمانده پیش از تاریخ هند به شمار می‌آیند.

۳- دوره تاریخی

یونانیان که به وسیله هخامنشیان [۴، ص ۳] در باختر ساکن شدند به علت علاقه به هنر پیکرتراشی و نیز پس از ورود به هندوستان (با تأثیر از فرهنگ ایرانی) بر هنر و مذهب بودایی و برهمایی تأثیر عظیمی گذاشتند، چنان‌که هنر پیکرتراشی ایشان و دیگر طبقات مذاهب برهمایی را دچار یک دگرگونی اساسی کرد [۵، ص ۱۰].

در دوره هخامنشی تأثیر هنر ایرانی بر استان سند از طریق ساتراپهای شرقی کاملاً مشهود است، چنان‌که اسپونر^۲ در حفاریهای پاتلی پوترا، کاخ چاندرانگوتاموریا را شبیه به کاخهای هخامنشی برمی‌شمارد [۶، ص ۲۰۶ و ۲۰۷]. در دوران اشکانیان نیز حاکمان پارتی بر بخش اعظم پاکستان کنونی و شمال غربی هند حکومت کرده و تأثیر هنر خود را بر هند ادامه دادند. در زمان ساسانیان داستانهای زیادی درباره روابط فرهنگی ایران و هند ثبت شده است. آغاز این مبادلات تجاری، سیاسی و علمی را باید از زمان اردشیر دانست که به جمع آوری کتب نجوم و حکمت از هندوستان پرداخت.

شبهات سکه‌های شاهان محلی گجرات هند از قرن پنجم تا سیزدهم میلادی با سکه‌های ساسانی بیانگر آن است که ساکنین این مناطق از نظر سیاسی و فرهنگی با ساسانیان آشنا بوده‌اند [۷، ص ۶۲]. در زمان حکومت انوشیروان، برزویه طبیب به هند رفت، او در این سفر کتاب معروف پنجانتوا را به ایران آورد و به پهلوی ترجمه کرد [۱، ص ۱۲۳].

در غارهای آجانتا دیوارنگارهایی که روی این غار کشیده شده، بیانگر تصویر سفیر خسرو پرویز در درگاه پولکشن دوم، پادشاه چلوکی هند است. مادلین هالاید^۳ و دیگران معتقدند که نفوذ هنر ساسانی در غارهای آجانتا به سبب تجمع سیاحان ایرانی در این منطقه (با تبادل بین ایران دوره ساسانی و هند در زمان خسرو) و فرستادن سفیری به دربار چالوکیان هند بوده است [۵، ص ۸-۳۷].

در نتیجه همین روابط بوده که دیوارنگارهای آجانتا تأثیر خود را در نگارگریهای متأخر بامیان نهاده است.

صفویه بود، مقدمه‌ای برای هنر نگارگری هندوستان محسوب شد. علی‌رغم آن‌که با گذشت زمان نام هندوستانی به خود گرفت اما هنوز به‌عنوان سبک ایرانی در ادوار بعدی باقی مانده است.

زمانی که در کابل کتابخانه‌ای موقت به‌وسیله همایون ایجاد شد، خواجه عبدالصمد و میرسید نقاشیهایی را به سبک ایرانی برای همایون رنگ آمیزی کردند؛ پس از آمدن همایون به دهلی و مرگ او، با بنیان نهادن آن توسط اکبر، ویژگیهای هنر ایرانی با کمک دو استاد ایرانی به حد کمال خود رسید. سپس جهانگیر، هنر نگارگری ایرانی را با هنر نگارگری اروپا در آمیخت؛ چنان‌که در این عصر نگارگریهای هندی به سبک ایرانی، ولی با تصاویر کاملاً محلی، به نمایش گذاشته می‌شدند.

با اقامت طولانی هنرمندان ایرانی در هند، ویژگیهای هنری آنان نیز به آرامی به بومی‌گرایی گروید، ولی فرزندان آنان هنوز از سبک هنر نگارگری عصر صفویه پیروی می‌کردند.

۲- روابط ایران پیش از تاریخ

از روابط ایرانیان و هند اطلاعات گسترده‌ای در دست نیست. در مناطق مرکزی در دامنه‌های کوهپایه‌های هیمالیا و استان اوریسای کنونی محلهایی که بعدها محل ظهور هنر نگارگری هند شدند، سنگ نگاره‌هایی کشف گردیده که بعضی از این نگارگریها به‌تناوب بازسازی شده‌اند که به همین دلیل نمی‌توان تاریخ دقیق آنها را مشخص کرد. البته گوردن^۱ معتقد است غارهایی که در آن نگارگریها باقیمانده و به دوران پیش از تاریخ منسوب می‌باشند، به دوران تاریخی تعلق دارد [۲، ص ۲۳].

ولی واکانکار در طبقه‌بندی خود وضعیت فیزیکی، اضافات متوالی کنکاش این سنگ نگاره‌ها، موضوعات طرحها و اطلاعات به دست آمده از حفاریات آنان را به شش دوره تقسیم می‌نماید [۳، ص ۴۵].

دوره اول: دیرینه سنگی فوقانی، ۸۰۰۰ ق. م.؛

دوره دوم: میان سنگی، ۸۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق. م.؛

دوره سوم: نوسنگی، عصر مفرغ و اوایل عصر آهن، ۲۵۰۰ تا ۳۰۰ ق. م.؛

دوره چهارم: تاریخی، ۳۰۰ ق. م. تا ۸۰۰ ب. م.؛

دوره پنجم: قرون وسطی، ۸۰۰ تا ۱۳۰۰ میلادی؛

دوره ششم: جدید، ۱۳۰۰ به بعد.

۴- ورود اسلام به هند

اسلام از طریق ایران به هند، ماوراء النهر و آسیای مرکزی وارد می‌گردد [۸، ص ۹]. در زمان عثمان، عبدالله بن جبیبی العربی و در زمان حکومت امیرالمومنین، حضرت علی (ع)، حارث بن مره العربی و سپس در زمان معاویه، مهلب بن ابی صفره و در زمان عبدالملک اموی، محمد بن قاسم ثقفی سراسر هند را فتح کردند. در ادامه این حملات سلطان محمود غزنوی در قرن سوم هجری به هند حمله ور گردید که این حملات تا قرن چهارم هجری ادامه داشت [۹، ص ۱۱۶].

۵- هنر نگارگری

۱-۵- پیش از تاریخ

درباره پیدایش نگارگری در هند به سختی می‌توان اظهار نظر کرد. نگارگریهای باقیمانده از عصر کهن و میان‌سنگی در درون غارها و یا پوششهای سنگی گزارش شده است. موضوعات این غار نگاره‌ها، بیشتر درباره جانورانی نظیر فیل، کرگدن، شغال، ببر، یوزپلنگ و اسب است.

۲-۵- دوران تاریخی

بیشترین اطلاعات از سیمای هنر نگارگری هند، دیوارنگاره‌های باقی مانده بر روی دیوارهای غارهای آجاتا است. این مجموعه از تالارهای شورای راهبهای بودایی در غرب هند، که در دره‌ای تنگ و عمیق به صورت نیم دایره‌ای دور از استقرارهای شهری برای اقامتشان در فصل باران در نظر گرفته شده، تشکیل شده است. این غارها دیوارنگاره‌هایی از قرن اول قبل از میلاد تا قرن پنجم میلادی دارند، که به وسیله هنرمندان تشکلهای اصناف مختلف به تصویر کشیده شده‌اند. دیوارهای نرم این غارها در ابتدا اندود شده و پس از طراحی، رنگدانه‌های گل اخرا و یا مواد رنگی معدنی نیم‌پخته و لاجورد رنگ آمیزی شده است.

بیشتر این دیوارنگاره‌ها پیش در آمدی بر هنر پیکرتراشی در ادوار بعدی هستند. آنان با چنان مهارتی سایه داده شده‌اند که به سختی می‌توان دو بعدی و یا سه بعدی بودن آنها را تشخیص داد. دیوارنگاره‌های کشف‌شده در کانچی پورام و الورا وجود هماهنگی سنتی را بین نگارگری و تندیس‌سازی بیان می‌کنند. بنابراین از آجاتا می‌توان پی برد که نگارگری بر اساس روش طرحهای

خیالی است که شامل دورنمای جامعه، ساختمانها و گیاهان زمان خود می‌باشد. نگارگران این غارها در طراحی گروههای پیچیده اجتماعی و حتی مطرح کردن حرکتی آنان متخصص می‌باشند. نظر اجمالی که از دیوارنگاره‌های آجاتا می‌توان داشت بیانگر رنگ آمیزی گرم و اشکال طبیعی آن است؛ که صحنه‌های اخلاقی، بیانگر ارزشهای عالی انسانی است.

با آن که نگارگریهای عصر گوپتا با پیکرتراشی همراه شده، اما در سبک نگارگری هند آغازگر فصل جدیدی است که پس از این دوره، شکل گرفته است. اولین نسخ مصوری که تاکنون از هند قبل از ورود اسلام گزارش شده، به برگ درخت خرما با جلد چوبی آن مربوط است که به قرن دهم میلادی باز می‌گردد و منعکس‌کننده هنر نگاری سنتی هند است. با آن که مضامین این نگارگریها بودایی است، اما موضوعات آن نمایانگر مشخصه‌های اخلاقی نیز می‌باشد. از دیگر نگارگریهای قرون وسطی، مضامین خشک و طرحهای کلی است که جایگزین رنگهای نرم مدلهای رنگی مشخصه آجاتا می‌شود. این سبک به همراه کتب مذهبی چینی از قرن دوازدهم میلادی به تعداد زیادی تهیه گردیده که بنا به اعتقادات چینی مضامینی از خدایان، اولیای کنترل شده عرف مذهبی، دارند.

با جایگزینی کاغذ دست‌ساز به جای برگ درخت خرما که بسیار شکننده بود «قرن ۱۳م»، انقلابی در هنر دست نوشته‌های شمال غرب هند ایجاد شد [۱۰، ص ۸۰].

با آنکه در قرن دوازدهم میلادی، مصور کردن نسخ خطی از هنر پیکرتراشی هند جدا گردید، اما از این زمان به بعد، مکتب نگارگری جدیدی، که به خوبی نیز توسعه یافته بود، جانشین طرحهای اولیه پیشین شد.

۶- دوران آمیزش هنری هند و اسلامی

پیش از ورود اسلام، هنر مصورسازی کتاب که هنرمندان چینی و بودایی انجام می‌دادند، اهمیت خود را همچنان تا پایان قرن دوازدهم میلادی حفظ کرد. تأثیر کار این هنرمندان که تا عصر حکومت مسلمانان مملوک نیز کماکان حفظ شده بود، در شکل هنر اسلامی نفوذ کرد.

از جمله موضوعات نگارگری می‌توان به طبقه‌های مذهبی جامعه هند، شریف‌زادگان، جنگجویان، که در هند حکومت ملوک الطوائفی تشکیل می‌دادند، صحنه‌های زد و خورد، وفاداری،



خود دانست. او با نگارگریهای بهزاد و مظفرعلی آشنا بود و نسخ خطی مانند شاهنامه و ظفرنامه را در کتابخانه خصوصی خود نگهداری می‌کرد. سبک طبیعت‌گرایی، که ریشه آن را برای اولین بار می‌توان در نگارگریهای هنری حکام تیموری هرات و حاکمان ترکمان شیراز و تبریز مشاهده کرد، در درک بابر از طبیعت و انسان تأثیر بسزایی داشت.

۷-۱- همایون

پس از مرگ بابر، همایون بر تخت نشست. وی که از کودکی به آموزش نگارگری در هند پرداخته بود و از دیگر هنرهای زمان خود چون موسیقی و خطاطی نیز بهره داشت، بعد از شکست از شیر شاه سوری به دربار شاه طهماسب صفوی رفت و در آنجا با میر مصور و فرزندش میرسیدعلی خطاط و نقاش خواجه عبدالصمد آشنا شد [۱۰، ص ۲۸]. همایون در دوران اقامتش در ایران از شهرهای تبریز، اردبیل، اصفهان، قزوین، مشهد و شیراز دیدن کرد و پس از دریافت کمک از شاه طهماسب و بازگشت به هندوستان در آنجا استودیوی هنری نگارگری خود را در مقابله با استودیوی هنری شاه طهماسب، که در سال ۱۵۴۰ میلادی بنیان گذاشته بود، در کابل تأسیس کرد [۱۰، ص ۳۳].

وی در کابل اقامت کرد و این استودیوی هنری را با میرسیدعلی و خواجه عبد الصمد، که در سبک واقع‌گرایی و اکسپرسیونیسم سرآمد بود، در سال ۱۵۴۹ میلادی به همراه صحافی از تبریز به نام مولافخر [۱۰، ص ۳۳] و یک ریاضیدان بنیان نهاد. در این استودیو هر دو هنرمند که در درگاه همایون به القاب "عطایق" و "شیرین قلم" مفتخر گردیدند، به کمک دیگر هنرمندان به ترسیم تصویر نسخ خطی یوسف و زلیخا پرداختند.

علینقی وزیر [۱۲، ص ۳۳۶] در کتاب خود می‌نویسد: میر سید علی نراقی، توان بنیانگذاری سبک خاص نقاشی شمال هندوستان را داشت که با کمک نقاشی ماهر دیگری به نام عبدالصمد شیرازی، از ترکیب عناصر نگارگری ایرانی و هندی سبک جدیدی به‌وجود آورد.

در دو تصویری که عبدالصمد مصور کرده (یکی از اکبر در جوانی و دیگری دورنمایی از یک شاهزاده جوان)، به‌صراحت می‌توان ترکیب هنر نگارگری صفویه را با ایده‌های مغولان هند دید. از میرسیدعلی، که شخص توانایی در تصویرگری بوده،

جوانمردی، احترام به بزرگان، دنیای تاریک و مرگ و دنیای رویایی را اشاره کرد. در مقابل نسخ خطی مصور شده مسلمانان، کارهای حماسی، دیوان اشعار و طالع‌شناسی بود که در سبک ایرانی بیان می‌شد. نگارگران غیرمسلمان نیز به مصور نمودن نسخ خطی، رمانهای عبادی، اشعار مذهبی با مفاهیم اشاره‌ای (که به آنان این اجازه را می‌داد که به بزرگنمایی ایده‌های خود از طریق طبیعت بپردازند)، می‌پرداختند. از نمونه‌های نگارگری شده این دوره، می‌توان به بیان احساسات جامعه هندوآرامی که به شکل دو پرند به تصویر کشیده می‌شد، اشاره کرد.

پیش از ایجاد مرحله جدیدی در هنر هند به‌وسیله مغولان، در غرب و شرق این سرزمین و در زمان سلطنت دهلی، هنر مملوکان هند در جریان بود [۱۱، ص ۳-۸].

با آن که شاهان مملوک، هیچگونه پشتیبانی از مکاتب نگارگری در هند نمی‌کردند؛ اما مدارس زیادی را در هند و با کمک خوشنویسان، که از ایران و عراق به دربار خود فرا خوانده شده بودند، تأسیس کردند.

ویژگیهای جزئی هنر نگارگری ایران را می‌توان پیش از حکومت مغولان در نگارگریهای نسخ خطی کالیاسوترا، که در ۱۴۷۵ میلادی تهیه شده‌اند، مشاهده کرد، همچنین از دیگر نگارگریهای این دوره، می‌توان به دست نوشته‌های مصور عاشیه (۱۵۶۸م)، مصور انوار سهیلی (۱۵۷۰م) و دست نوشته دیگری به نام طلسم که همگی با ظاهر ویژگیهای هنری مشابه و متأثر از مکتب هنری ایران، اشاره کرد.

۷- مغولان هند

در سال ۱۵۲۶ میلادی بابر بعد از پیروزی نهایی در دشتهای شمال هند به دهلی وارد شد و به عنوان اولین شاه از سلسله مغولان هند، بر تخت نشست. از چهار سال اول حکومت او در ارتباط با پشتیبانی از علم و هنر اطلاعاتی در دست نیست.

بابر پیش از ورود به هند، با مکتب هنری هرات، که در زمان بایستقر و حسین بایقرا رشد فراوانی کرده، آشنا بود. از زمان تیموریان نگارگریهایی به سبک دوره صفوی (مکتب تبریز) در غرب هند از قرن چهاردهم میلادی تا اواخر قرن شانزدهم میلادی رسم می‌شد. میرزا حیدر می‌نویسد که بابر را باید در خطاطی، شاعری، نگارگری، تذهیب و مهرسازی هم‌تراز شعرا و نویسندگان هم‌عصر

فقط دو تصویر بدون امضا وجود دارد که مشخصه سبک درباری عصر صفویه است.

همایون بعد از تزلزل سیاسی در کابل، به دهلی رفت و در آنجا با دستیابی به ثبات سیاسی، کتابخانه‌ای مصور به کمک هنرمندان ایرانی و در ادامه کتابخانه کابل بنیان گذاشت.

۷-۲- اکبر

پس از مرگ همایون، اکبر بر تخت سلطنت نشست. او شخصی بی‌سواد بود. اکبر به اهمیت این موضوع پی برد که قدرتی که در نسخ خطی مصور وجود دارد، در دیگر آثار هنری وجود ندارد. نگارگریهای عصر اکبر را می‌توان به‌طور عمومی بیانگر زندگی روزمره دانست که در طبقه‌بندی فعالیت‌های این دوره، نقش بسزایی دارد. او همچنین دستور داد که به مصور کردن حماسه‌های مذهبی هند که ریشه در سنت‌های هند باستان دارد نیز پرداخته شود. در دوره مغولان هند مصور کردن کتب کلاسیک ایرانی از اولویت بسزایی برخوردار بود [۱۳، ص ۹].

نگارگری که به مصور کردن این نسخ خطی می‌پرداخت به‌طور عمومی با فرهنگ ایرانی آشنا بود تا بتواند با سبک و هنر خود درآمیزد.

اکبر در محیط التقاط نظریه‌ها، هنر دوران شکوفایی خود را آغاز کرد. او با بناکردن یک کارگاه هنری به‌وسیله میرسید علی و خواجه عبدالصمد استودیویی را که پدرش بنا نهاده بود گسترش داد. او در این تصویرخانه [۱۲، ص ۴۵۰]، که زیر نظر دو هنرمند ایرانی اداره می‌شد، به‌کار پرداخت؛ چنانچه کتب بسیاری را که مزین به آثاری از بهزاد، میرک و سلطان محمد بود به‌عنوان سرمشق نقاشان، خریداری کرد. این تصویرخانه دارای تعداد زیادی نقاش، خطاط، تذهیب‌کار، کاغذساز، صحاف و رنگساز بود که در آنجا به‌کار مشغول بودند.

این هنرمندان در تصویرخانه به‌مصور کردن اوراق کتابهایی می‌پرداختند که شاه از آنها خواسته بود. آنان کار را زیر نظر کتابداران انجام می‌دادند و هر هفته شاه با بررسی و مشاهده کارهای هنری آنان، مانند به‌پایان‌رساندن نسخه‌های پیچیده مصور، جوایزی را به آنان اعطا می‌کرد.

مشاور و وزیر او ابوالفضل کار این هنرمندان را در کتاب خود ثبت کرده پرداخته که به نام اکبرنامه یا آیین اکبری مشهور است.

ابوالفضل در بخشی از کتابش درباره تصویرخانه می‌نویسد هنرمندان جوان فقط مسؤول رنگ آمیزی طرح‌های هنری بودند. دانه‌های رنگی معدنی را با مرمر سبز، لاجورد، گوگرد، سیماب و صمغ عربی مخلوط کرده و سپس در نقاشی به‌کار می‌بردند. در نهایت روی آن را با یک سنگ عقیق براق می‌کردند. این دقت، که در مراحل مختلف کار انجام می‌گرفت ممیزه عصر اولیه نگارگریهای مغولان هند است. با آن‌که کارهای هنری در این عصر در تصویرخانه‌ها تهیه می‌شد؛ اما کاغذ این نسخ از ایران [۱۰، ص ۱۸۱] و یا شاید از ایتالیا وارد می‌شده است. در کنار هنرمندان بزرگ این دوره دسونت را از شاگردان ممتاز خواجه عبدالصمد، می‌توان نام برد.

در میان نسخ خطی عهد اکبر، عمده کتابهای فارسی مانند کتاب حمزه‌نامه، که در دوازده مجلد تدوین گردیده، به تصویر آمیخته گردیدند؛ همچنین علاوه بر نقاشان ایرانی این دوره، می‌توان به هنرمندان غیر ایرانی و هندی نیز اشاره کرد که از آنها تنها نامی باقی مانده است، مانند مندوفرنگی و بلال حبشی (نام مستعار).

۷-۳- جهانگیر

در زمان او هنر نگارگری هند به اوج خود رسید. جهانگیر از زمانی که شاهزاده بود به تشویق هنرمندان می‌پرداخت و وقتی در سن سی و پنج سالگی بر تخت سلطنت نشست، علاقه زیادی به ترکیب هنر هند با نگارگریهای ایرانی و اروپایی پیدا کرد.

جهانگیر در زمانی که شاهزاده‌ای بیش نبود در ۱۵۹۹ میلادی علیه پدرش اکبر، سر به شورش نهاد و به الله آباد رفت و حکومت مستقلی را در آنجا بناکرد. در آنجا آقا رضا [۱، ص ۶۸-۷۲] و دیگر هنرمندان را به الله آباد دعوت نمود تا نسخ خطی را مصور نمایند. در آنجا غزلیات امیر نجم الدین حسن دهلوی و انوار سهیلی و غیره را به تصویر مزین کرد.

ندیمانی که در اطراف او بودند به‌طور مداوم در توطئه‌های سیاسی علیه او شرکت می‌کردند، جهانگیر که نسبت به این توطئه‌ها آگاه بود نمی‌توانست مانند پدر، آنها را کنترل یا تعدیل کند. تصاویر نگارگری شده در زمان او تصاویری از حیوانات، انسانها و یا بیان ایده‌های مختلف بود. جهانگیر بر این اعتقاد بود که هنرمندان را همیشه می‌توان احضار کرد تا صحنه‌ها را ثبت کنند یا به همراهش، در هنگام لزوم، به مسافرت بروند.



در حاشیه این مرقعها از تصاویر متفاوتی از جمله سیمرخ ایرانی نیز استفاده شده است (شکل‌های ۱ و ۲).

از جمله تصاویر متأثر از نگارگری دوره صفوی، جوان بدون ریشی است که در عصر جهانگیر نقاشی شده و از ارزش بالایی برخوردار است. در این تصویر شاهزاده‌ای بر اسبی در جلوی درخت چنار، پیاله‌ای را به جوان دیگری که بر تختی مستقر بر یکی از شاخه‌های درخت چنار، نشسته است، تعارف می‌کند.



شکل ۲ لوح نگارگری، تصویر پرندگان عصر سلطنت دهلی؛ موزه ملی ایران، تهران

ریشه‌های هنر نگارگری عصر جهانگیر را باید به زمانی مربوط دانست که سرپرستی کتابخانه کوچکی را در اختیار آقارضا نقاش قرار داده بود. آقا رضا پس از مرگ برادر اکبر، میرزا محمدحکیم، از کابل به لاهور آمد و هنگام کار با سلیم، پسرش ابوالحسن، متولد شد. سلیم به همین دلیل او را "خانه زاد" نامید. به مدت ده سال آقا رضا و دیگر نقاشان آلبومی از مجموعه‌های بی‌نظیر نگارگری ایرانی و مغول تهیه کردند.

در این دوره مجموعه نگارگریهای ایرانی در کنار سبکهای دیگر اروپایی، که در دربار مغولان تهیه می‌شد، بسیار نادر و ارزشمند است، در کنار آن می‌توان به نمونه‌های زیبای خطاطی خوشنویسان بزرگی چون سلطان علی، میر، اشاره کرد که در حاشیه این ورقها، رنگ آمیزی کرده‌اند.

دو آلبوم مرقع گلشن و گلستان، که در زمان جهانگیر تهیه شد، اولی در موزه کاخ گلستان ایران و دیگری بعد از حمله نادر و غارت کتابخانه‌های مغولان در موزه‌های اروپا و آمریکا پراکنده شده است. آن آلبومها دارای نگارگریهای بی‌نظیر بهزاد هستند که هر کدام از این نگارگریها با قلم خوشنویسانی است که حاشیه آنها را مذهب نموده‌اند.



شکل ۱ لوح نگارگری دوران سلطنت دهلی؛ پرنده‌ای تنها روی شاخه درختی؛ موزه ملی ایران، تهران

این نقاشی که حاشیه آن نیز تزئین گردیده به آقا رضا تعلق دارد. نام او در اکثر ورقه‌های نقاشی شده جهانگیر، دیده می‌شود. همچنین از برجسته‌ترین خوشنویسان این دوره، می‌توان به علی الکاتب که از اهالی ایران بوده اشاره کرد.

صحنه‌هایی که از آن دوره در نسخ خطی استفاده می‌شده، شامل تصاویری از درگاه شاه سلیمان، شهادت صوفی بزرگ حلاج، رقص صوفیها، مجنون در جنگل و پیرمردی در رختخواب بیماری، به سبک ایرانی عصر صفویه بسیار نزدیک است.

نگارگریهای که مشابه سبک ایرانی عهد صفویه است آقا رضا روی نسخ خطی انوار سهیلی به تصویر کشیده و طرحهایی را از ترکیبات ایرانی و زندگی روزمره عصر مغول داراست.

در میان نویسندگان، سعدی مورد علاقه جهانگیر بود و تعداد زیادی از نسخ خطی مجموعه کارهای او، مانند کلیات سعدی و گلستان و بوستان را با تصاویر زیادی به وسیله هنرمندان درگاهش رنگ آمیزی کرده بود.

از با ارزش‌ترین کارهای او نسخه خطی کلیات سعدی با سی و سه نگاره با پنج عنوان است، که امروزه در مجموعه صدرالدین آغاخان نگهداری می‌شود؛ همچنین بوستان سعدی با بیست و دو تصویر که امروزه در موزه خصوصی اگران نگهداری می‌شود (۶-۱۵۰۵م)، همراه با یازده تصویر نگارگری از گلستان که امروزه در بین موزه‌های خصوصی اروپا پراکنده است از کارهای هنری این دوره به‌شمار می‌آید.

از میان دیگر نسخ خطی کتاب گلستان، گلستانی است که در فتح پورسیکری محمد حسین زرین قلم به تصویر کشیده است. از نمونه دیگر بوستان نیز، بوستانی است که در بخارا و در بین سالهای ۱۵۳۱ تا ۱۵۳۳ میلادی هنرمندان جهانگیر تهیه کرده‌اند. در میان نقاشیهای این کتاب، تصویر زندانی بیگناهی دیده می‌شود که در کنار ده نقاشی دیگر در اوایل سال به تخت نشستن جهانگیر به تصویر کشیده شده‌اند.

در ادامه تحولات تصویرگری این دوره با حذف مشخصات معماری، درختها و آسمان، هنرمند می‌تواند موضوعات مطرح شده را به تمام و کمال به‌نمایش بگذارد. از این قسم می‌توان به نسخه خطی شاهنامه مصوری که حدود دو دهه بعد، برای خان خانان تهیه شد و یا نمونه برداریهایی که از بوستان و گلستان در دو سال اول حکومت شاه جهان صورت گرفته، اشاره کرد.

صورتگری یکی از موضوعاتی است که در دربار جهانگیر از عمومیت بیشتری برخوردار بود. در دوره صفوی علاوه بر

نگارگری، نقاشی معمولی نیز رواج داشته است و صورت پردازی تقریباً از این زمان است که معمول می‌شود. صورتهای شاهزادگان و بزرگان و درباریان صفوی غالباً موضوع مهم در عصر صفویه است [۱۲، ص ۴۴۶-۴۴۷].

جهانگیر دارای چندین آلبوم از تصاویر نقاشی شده هنرمندان مورد نظرش بود، او "پیشونداس" را مخصوصاً به دربار ایران فرستاد تا تصویری از شاه‌عباس، خانوادهاش و بزرگان دربار را برای او تهیه کند؛ همچنین در اواخر حکومت جهانگیر، یکبار در خواب با شاه‌عباس ملاقات کرد که حاصل آن تصویری بود از ابوالحسن، نقاش مورد علاقه جهانگیر که در نگارگری از سبک صفوی [۱، ص ۷۶] پیروی می‌کرد که با توجه به مشاهدات و تصورات او از شاه‌عباس خلق گردیده بود، اما هنگامی که پیشونداس با آلبومی از شاه‌عباس و درباریان‌ش به هند بازگشت، و متوجه شباهت تصویر ابوالحسن با تصویری که پیشونداس از شاه‌عباس تهیه کرده بود، شد.

در اواخر حکومت جهانگیر او اهدافی را که نمی‌توانست به انجام رساند، (مانند به آغوش کشیدن شاه‌عباس) در نگارگریها به تصویر می‌کشید.

۷-۴- شاه جهان

بعد از آن که شاه جهان جای پدر را گرفت علی‌رغم بی‌میلی به ثبت آثار طبیعی، به هنرمندان اجازه داد که به ادامه کار خود پردازند. این حمایت او به دلیل توجه به هنر معماری و بنا نهادن ساختمانها و عمارتهای بزرگ، رفته رفته به فراموشی سپرد.

هجرت هنرمندان دربار مغول، که در اواخر حکومت جهانگیر آغاز شده بود، آنان را به دربار حکومتهای محلی فرستاد، حکومتهای مستقل از درون حکومت مغولان هند مانند بیکانر، اجمیر و ماروار محل تجمع این هنرمندان گردید. با آن که در دوران حکومت اکبر سردارانش نیز مانند خان خانان و آصف خان دارای کتابخانه خصوصی بودند و عده کثیری در این کتابخانه‌ها به مصور کردن کتب خطی مشغول بودند، اما عدم تمرکزگرایی دربار مغول، که در زمان جهانگیر آغاز شده بود، باعث پراکندگی این گروه از هنرمندان گردید.

با آغاز دهه دوم و سوم قرن هفدهم میلادی، این هنرمندان در دربار حکومتهای محلی، به نقاشی کتب مذهبی و سرودهای دینی پرداختند. جنگهای داخلی باعث گردید که این هنرمندان به راجستان، کوههای هیمالیا، اوراسیا، آسام، نپال، مهاراشترا و دیگر مناطق هند مهاجرت کرده و یا دوباره به زادگاهشان بازگردند.



شاهان و حکومت‌های محلی ایرانی در هند پناه جستند و هنر نگارگری مغول را قربانی فرهنگ بومی کردند.

۹- منابع

- [1] ابوالفضل دریایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، «تأثیر فرهنگ و هنر ایران در شکل‌گیری مکتب نقاشی هند و ایرانی در دوره بابریان، دانشگاه تربیت مدرس؛ دانشکده علوم انسانی؛ استاد راهنما سید مهدی غروی؛ پاییز ۱۳۷۲.
- [2] Quoting by B.K.Thapar ; " Recent Archaeological Discoveries in India"; UNESCO, Japan, 1985.
- [3] Wakankar. V.S., and Robert, F.R. Brooks;" Stone Age Painting in India"; Bombay; Tarapore Vala Sons and co.1973.
- [4] Narain, A.K. Indo Greeks, Oxford, 1957.
- [5] مادلین هالاید، هند و ایرانی هنر اسلامی، تهران، انتشارات مولی، ترجمه یعقوب آژند، ۱۳۷۶.
- [6] کریستین سن، آرتور؛ «ایران در زمان ساسانیان»؛ ترجمه رشید یاسمنی؛ انتشارات دنیای کتاب؛ تهران؛ ۱۳۷۰.
- [7] کاوسجی، داور؛ «ایران و هند»؛ یادنامه کورش؛ بمبئی؛ ۱۳۵۰.
- [8] فرهنگ، ارشاد؛ «مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند»؛ انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛ مؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی؛ تهران؛ ۱۳۶۵.
- [9] باسورث کلیفورد، دادموند؛ «تاریخ غزنویان»؛ ترجمه حسن انوشه؛ ج ۱؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران؛ ۱۳۷۷.
- [10]Rojer. J.M., "Mughul Miniature painting",. 1978.
- [11]Majumdar; R.C.General Editor, "The History and Culture of the India"; Mughul Empire, Bombay, 1984.
- [۱۲] وزیر، علینقی؛ «تاریخ عمومی هنرهای مصور»؛ انتشارات هیرمند؛ تهران؛ ۱۳۷۳.
- [13]Das . A.K., " Dawn of Mughul painting"; 1982.
- [14]"Catalogue of Indo Tibetan, Neplalese and Indian Art"; 1973, Southeby and Co, 34 and 35. London.

حکومت‌های محلی براساس ساختار مذهبی خود، در قرن‌های هفدهم و هجدهم میلادی به پشتیبانی هنرهای سنتی پرداختند. در واقع موضوعات نقاشی در هنر نگارگری حکومت‌های محلی [۱۴، ص ۶۸-۹۰] مذهبی بوده که به حماسه‌ها، سرودهای مذهبی و تصاویر پیشوایان مذهبی آنان مربوط می‌شود.

۸- نتیجه‌گیری

با آن‌که سبک‌های هنری مغولان در هند غربی از هنر نگارگری صفویه متأثر بود. بابر نیز با هنر نگارگری هرات در زمان مهاجرت به هندوستان، آشنا بود، اما آغاز تحول هنر نگارگری هند را باید از هنگام ورود همایون به درگاه شاه تهماسب صفوی دانست. آشنایی او با مکاتب هنری صفویه در تبریز، قزوین، اصفهان و شیراز به دعوت هنرمندان ایرانی برای ایجاد کتابخانه‌ای در هند منجر شد. او به تقلید کتابخانه‌های نگارگری صفویه در ابتدا در کابل، استودیویی با کمک هنرمندان ایرانی، خواجه عبدالصمد و میرسید علی، بنا کرد. با مرگ همایون در دهلی و جانشینی اکبر، هنرمندان ایرانی نه تنها به مصور کردن نسخ خطی نویسندگان و شعرای ایرانی پرداختند؛ بلکه به تربیت هنرمندان بومی نیز، که بعدها در شکوفا کردن هنر نگارگری هند نقش مؤثری داشتند، اقدام کردند. در کنار تصویرگران، هجرت خوشنویسان، تذهیب کاران و صفاحان نیز از ایران به هند آغاز شد؛ علاوه بر نگارگری‌هایی که برای نسخ خطی تهیه می‌شد، خوشنویسان ایرانی در کتابهای این عصر نقش مؤثری داشتند.

هنر نگارگری هند، که در ابتدا تحت تأثیر مکتب نگارگری صفویه بود، از زمان اکبر به بعد تحت نفوذ مکاتب بومی هند قرار گرفت؛ سپس با روی کار آمدن جهانگیر، که مقارن با ورود انگلیسیها و پرتغالیها به هندوستان بود، در معرض تأثیر هنر نقاشی غرب قرار گرفت. در نهایت و در زمان شاه جهان، به خاطر علاقه او به معماری، هنر نگارگری هند، سیر قهقرایی خود را آغاز کرد. به وسیله هنرمندان ایرانی، فرهنگ ایران از طریق نسخ خطی وارد هند شد. چنان‌که جهانگیر به کلیات سعدی علاقه وافری داشت و تقریباً دیگر نسخ خطی نویسندگان ایرانی و غزلیات و رباعیات شعرای ایرانی در همه ادوار عصر مغول، نمونه برداری می‌گردید. پس از پایان دوره مغولان بزرگ هند و حمله نادر و غارت کتابخانه‌ها (که مرکز تولید نگارگری بود) هنرمندان ایرانی به درگاه